

زیست فناوری و ضرورت و اهمیت تمرکز مرجع تثبیت مالکیت فکری

محمد حنیفه اقبالی درخشان^۱

چکیده:

در دنیای پیچیده کنونی، پیشرفت دانش و فن آوری‌ها، همه زوایای طبیعت را از سوی بشر صاحب دانش و فناوری قابل دست‌اندازی کرده است. این دست‌درازی بشر در طبیعت در عین حالی که به جهت افزایش اطلاعات و توانایی‌ها، او را قدرتمند ساخته، انحصارات قابل ملاحظه‌ای نیز برای وی به ارمغان آورده که از طریق آن‌ها منافع مادی بیشماری نصیب او کرده است. زیست‌فناوری و حقوق مالکیت فکری ناشی از آن یکی از حوزه‌های مهم علمی و فنی و اقتصادی است که سازوکارهای پیچیده‌ای را در اختیار صاحبان صنعت و فناوری زیستی قرار داده تا با کمک آن‌ها بتوانند منافع سرشاری را به دست آورند و در تعاملات بین‌المللی نیز قدرت تعیین‌کننده داشته باشند و گاهی نیز منافع ملی دیگران را با خطر چپاول مواجه سازند. در این مقال، نگارنده کوشیده است تا با بررسی تطبیقی حقوق مالکیت فکری مترتب بر حوزه زیست‌فناوری در سطح بین‌المللی و ملی، نکات مثبت و منفی نظام حقوقی کشور را مشخص و پیشنهادهایی را ارائه نماید.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت فکری، زیست‌فناوری، حقوق ملی، معاهده بین‌المللی، حق اختراع.

۱. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل از دانشگاه علامه طباطبایی، کارشناس و بازرس دفتر بازرسی و پاسخگویی به شکایات سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و عضو هیئت تحریریه ماهنامه «کانون».

پیش‌گفتار:

یکی از حوزه‌های نوینی که با تلفیق دانش زیستی و فناوری توانسته است انقلاب عظیمی در جوامع امروزی ایجاد کند، رشته و حوزه زیست‌فناوری^۱ است. دستاوردهای حاصل در این حوزه این توانایی را برای دارندگان آن به وجود آورده است که بر مجهولات بسیاری در زمینه اسرار حیات موجودات زنده فائق آیند و با دست‌اندازی بر قوانین حاکم بر حیات و اعمال تغییرات در آن‌ها، موجودات و ویژگی‌های بدیعی را خلق کنند. زیست‌فناوری حوزه‌ای از دانش و فناوری است که از طریق آن با استفاده از ژن موجودات زنده نظیر حیوانات، گیاهان و میکروارگانیسم‌ها تغییراتی در آن‌ها ایجاد می‌شود و در واقع، اصلاح ژنتیکی در آن‌ها به عمل می‌آید. با تحول مهندسی ژنتیک و آغاز فناوری زیستی مدرن، امکان انتقال ژن‌ها بین گونه‌های متمایز فراهم آمد و همین امر باعث گردید که موضوع‌ها و مسایل و مشکلات نوینی، ابتدا در حوزه داخلی کشورهای که به این دانش و فناوری دست یافته بودند؛ و سپس به دنبال آن، در عرصه‌های بین‌المللی پدیدار شوند. از جمله این مسایل بحث بر سر امکان یا عدم امکان ثبت ژن - اصلاح‌شده به‌عنوان اختراع و برخورداری از حمایت‌های ناشی از حقوق مالکیت فکری مربوط به آن بود. ضرورت‌های ناشی از این تحولات روبه‌رشد و فزاینده موجب طرح و انعقاد معاهداتی در این حوزه در سطح بین‌المللی گردیده است و هریک از این معاهدات و موافقت‌نامه‌ها، مثل کنوانسیون تنوع زیستی^۲، کنوانسیون حمایت از گونه‌های گیاهی جدید^۳ تکالیف و حقوقی را

۱. زیست‌فناوری ترجمه عبارت بیوتکنولوژی است. عبارت "Biotechnology" از ترکیب دو واژه "Bio" و "technology" تشکیل شده است. پیشوند "Bio" از کلمه لاتین "Bios" ریشه گرفته و به مفهوم زندگی و حیات است و لغت "Technology" هم به معنای فناوری و فن‌شناسی است. ترکیب این دو واژه برای معرفی و تعریف فنونی است که از طریق آن‌ها در موجودات زنده نظیر حیوانات، گیاهان و میکروارگانیسم‌ها تغییراتی ایجاد می‌کنند تا آن‌ها را با هدف‌های مورد نظر هماهنگ و یا به نتیجه مشخصی نائل سازند. *نقل از: حبیب، سعید، امکان صدور ورقه اختراعات بیوتکنولوژی و موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰ تابستان ۱۳۸۲، ص. ۹۹.*

2. Convention on Biological Diversity. (CBD)

3. Union Internationale Pour la Protection des Obtentions Vegetare [International Union for the Protection of New Varieties of Plants].

برای طرف‌های ذی‌نفع اعم از دولت‌ها، مخترعان، پدیدآوردگان، نوآوران و صاحبان منابع ژنتیک تمهید نموده و سازوکارهایی را برای تبادل اطلاعات، فن‌آوری‌های موجود و ابداعی، نحوه اعمال صلاحیت‌ها و حل‌وفصل اختلافات حادث، در نظر گرفته‌اند. با توجه به پیوستن جمهوری اسلامی ایران به برخی از این کنوانسیون‌ها^۱ و تلاش‌های صورت گرفته برای اصلاح قوانین و قواعد و مقررات حاکم موجود، باید بررسی کرد که در صورت عدم همسویی قوانین و مقررات پراکنده داخلی^۲ با مقررات ناشی از معاهدات بین‌المللی الحاقی و معاهداتی که در شرف الحاق به آن‌ها هستیم مثل موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)^۳ که در بند دو ماده ۲۷ خود توسل به قوانین داخلی برای اعمال استثنای بر حق اختراع را منع می‌کند [یعنی کشورها فقط به صرف این‌که قوانین آن‌ها مانع می‌باشد نمی‌توانند قائل به استثنائات باشند بلکه باید صرفاً اختراعاتی را مستثنا سازند که با نظم عمومی یا اخلاق جامعه ماینت داشته باشد و یا اینکه حیات یا بهداشت انسان، حیوان یا نبات را با لطمه جدی مواجه سازد]؛ یا اتحادیه بین‌المللی حمایت از گونه‌های گیاهی جدید که اصل دسترسی آزاد به منابع ژنتیک را ترویج می‌کند و کشف را نیز مشمول حمایت می‌شمارد، چگونه باید همسویی لازم را به‌وجود آورد؟

از سوی دیگر، با عنایت به این‌که کشور ما فاقد فن‌آوری‌های پیشرفته و نوین در زمینه زیست‌فناوری است اما در مقابل می‌تواند یکی از تأمین‌کنندگان عمده منابع ژنتیک باشد؛ در

۱. کنوانسیون پاریس برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی، کنوانسیون تنوع زیستی، موافقت‌نامه مادرید و پروتکل آن راجع به طبقه‌بندی کالا و خدمات.

۲. الف - دستورالعمل تولید و عرضه دارو با نام اختصاصی مصوب ۱۳۸۱/۳/۲۵. (نقل از: امانی، تقی، «قوانین و مقررات حقوق و مالکیت فکری»، تهران، بهنامی، ۱۳۸۳، ص. ۲۹۶).

ب - قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹ (نقل از: همان، ص. ۲۶۱).

ج - قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ (نقل از: حجتی اشرفی، غلامرضا، مجموعه کامل قوانین و مقررات محشای ثبتی، چ. سوم، تهران، گنج‌دانش، ۱۳۸۴، صص. ۴۲۸ - ۴۱۹) و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.

3. Trade- Related Aspects of Intellectual Property Rights.(TRIRS)

صورت تصمیم به تعامل که اجتناب‌ناپذیر نیز می‌باشد، آیا ما خواهیم توانست با سازوکارهای موجود و قوانین و مقررات حاضر در مقابل تجویز دسترسی به منابع ژنتیک، به دانش و تکنولوژی مورد نیاز برای بهره‌برداری از این منابع و نیز سهم منطقی از منافع حاصل از تجاری‌سازی فرآورده‌ها و فرایندهای بیوتکنولوژیکی که از دست‌ورزی منابع ژنتیک کشور ما به دست می‌آید، دسترسی پیدا کنیم؟ نگارنده امیدوار است مقاله حاضر به پاسخ این سؤالات رسیده و بتواند راهکار مناسبی پیشنهاد نماید.

گفتار اول:

الف - حقوق مالکیت فکری

مالکیت، نهادی به قدمت آفرینش انسان است. یعنی آدمی از ابتدای خلقت تلاش نموده است آنچه را که دارد حفظ کرده و آنچه را که ندارد، کسب کند. احساس مالکیت حتی در دوره‌هایی که آدمی با دیگران زندگی مشترک داشته با وی همراه بوده و همین نهاد او را به مدنیت و تأسیس نهادهای مدنی رهنمون گردیده است. اما نهاد مالکیت تا گذشته‌ای نه چندان دور، صرفاً رابطه‌ای مادی محسوب و نسبت به آنچه قابل لمس بود، اعمال می‌گردید و تولید منفعت می‌کرد. در آن شرایط تولیدات و آثار فکری فاقد ارزش مادی بود و صرفاً برای پدیدآورنده آن، افتخار و شهرت معنوی به وجود می‌آورد.

با اختراع دستگاه چاپ و رشد صنعت چاپ و امکان نسخه‌برداری متعدد از آثار فکری صاحبان اندیشه، امکان سوءاستفاده از این صنعت نیز به وجود آمد. این شرایط باعث شد تا دولت‌ها برای دفاع و حمایت از حقوق پدیدآورندگان به‌طور پراکنده قوانینی وضع نمایند. اولین نمونه از این دست، قانون حمایت از اختراعات جمهوری ونیز در سال ۱۴۷۴ بود و به دنبال آن در انگلستان در سال ۱۶۲۴ حمایت از اختراعات و در سال ۱۷۰۹ حمایت از حق مؤلف آغاز و به تدریج به کشورهای دیگر اروپایی توسعه یافت.^۱

۱. اقبالی درخشان، محمد حنیفه، "بررسی تطبیقی حقوق مالکیت فکری بیوتکنولوژی در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵، صص. ۱۰ - ۸.

این حمایت‌ها که برخلاف گذشته برای صاحبان اثر به دلیل حقوق انحصاری که به وجود می‌آورد، منشأ منافع مادی و در نتیجه ارزشمند محسوب می‌شد؛ کم‌کم به‌عنوان يك نهاد حقوقی - مدنی شناسایی و به‌تدریج در جوامع اروپایی نهادینه گردید. این امر باعث شد تا به مرور آثار فکری به‌عنوان مایملک مطرح و رابطه مالکیت انحصاری بین پدیدآورنده و اثر، موردشناسایی قرار گیرد و صاحبان اثر را از نتایج مادی خود منتفع سازد.

با این انگیزه‌ها بود که از قرن یازدهم به این‌طرف، تفکر، اندیشه و دانش و فن به چشمه‌های کسب ثروت تبدیل و صیغه اقتصادی پیدا کردند. و رفته رفته کار به‌جایی رسید که امروز درآمدهای ناشی از انحصارات تکنولوژیکی و علمی قابل مقایسه با در آمد حاصل از مواهب مادی مثل نفت و منابع معدنی دیگر نیست.

اگرچه تاکنون تعریف جامعی از مالکیت فکری در حقوق ملی و بین‌المللی به دست داده نشده است اما مصادیق آن روز به روز توسعه یافته و در حال حاضر، گستره وسیعی از دستاوردهای فکری بشر را تحت پوشش قرار داده است. حقوق مالکیت صنعتی در زمینه‌های صنعت، کشاورزی و خدمات و حقوق مالکیت ادبی و هنری به‌عنوان دو شاخه اصلی و مهم از حقوق مالکیت فکری هستند که این حقوق و امتیازات از طریق آن‌ها اعمال می‌شوند.

ب - ضرورت تعاملات جهانی

عصر حاضر به‌جهت این‌که با پیشرفت غیرقابل تصور وسایل ارتباط جمعی و اینترنت و ابزارهای مشابه اطلاع‌رسانی مثل ماهواره‌های اطلاعاتی مواجه شده، از حیث زمانی به عصر اطلاعات و از حیث ابعاد به دهکده جهانی نام‌گذاری شده است. به همین لحاظ، هیچ کشوری نمی‌تواند بدون تعامل بین‌المللی و بدون توجه به فعل و انفعالات بیگانگان به حیات خویش تداوم بخشد. دیگر هیچ کشوری قادر نیست دیوار آهنی به دور خود کشیده و با تصور بی‌نیازی از دیگران همه نیازهای خود را [خود،] برآورده سازد. حجم عظیم اطلاعاتی که از طریق رسانه‌ها

در دسترس ابناء بشر قرار می‌گیرد و شفافیت‌های ظاهری که در نگاه نخستین به نظر می‌رسد؛ پیچیدگی عظیمی را در خود نهان ساخته است که بدون تکیه بر مدیریت دانش‌بنیان و دانایی‌محور ثمری جز بهت و حیرانی و عقب‌ماندگی و هدردهی منافع و منابع ملی در بر ندارد. در عصر کنونی، لازمه دستیابی به توسعه فراگیر، یافتن معرفت و بصیرت کافی درخصوص منابع و منافع ملی و ظرفیت‌های ارتقای تعامل بین‌المللی و نحوه حفظ و صیانت از این منابع و تأمین مطلوب آن‌ها است. منافع ملی به هیچ وجه حاصل نمی‌شود مگر این‌که بدانیم چگونه داشته‌های خود را حفظ کرده و با آگاهی بر سازوکارهای بین‌المللی آن‌ها را تقویت کنیم. برای انجام مطلوب این امر لازم است جهان بیرون از چارچوب جغرافیایی کشور و سازوکارهای آن را خوب بشناسیم. در حال حاضر، تکنولوژی و دانش به‌عنوان ثروت ملی و ابزار تأمین رفاه و امنیت برای کشورهای پیشرفته، چهره روابط بین‌المللی را دگرگون ساخته و سلطه نامرئی خود را از طریق شرکت‌های چندملیتی صاحب تکنولوژی و دانش به اقصا نقاط جهان توسعه داده است. در گذشته نه چندان دور، کشورهای صاحب‌صنعت نیازمند مواد خام برای تولید بودند و در نتیجه مواد اولیه مورد نیاز و نیروی کار ارزان قیمت از اهمیت به‌سزایی برای تولید برخوردار بود اما در چند دهه اخیر، تولید دانش و تکنولوژی جایگزین تولیدات صنعتی شده است و امتیازات حاصل از تولید دانش و تکنولوژی و روابط پیچیده اقتصادی ناشی از آن به‌عنوان مهم‌ترین عامل تولید ثروت و رفاه برای کشورهای پیشرفته مطرح گردیده است. اگر در گذشته مالکیت مادی بر ابزار تولید و مواد خام و نیز کار ارزان قیمت به‌عنوان فاکتورهای مهم تولید و در نتیجه دستیابی به ثروت و رفاه و امنیت و اشتغال محسوب می‌گردید؛ در حال حاضر مالکیت معنوی ناشی از تولید دانش و تکنولوژی به‌عنوان مهم‌ترین فاکتور کسب درآمد برای کشورهای صنعتی و صاحب تکنولوژی مطرح است. انحصارات ناشی از مالکیت فکری و امتیازات حاصل از روابط بین صاحبان تکنولوژی و

دانش و مصرف‌کنندگان تکنولوژی چنان پیچیده و واجد اهمیت است که بدون پرداختن به آن و بدون کسب آگاهی از چگونگی شکل‌گیری روابط اقتصادی بین‌المللی منبعت از مالکیت فکری نمی‌توان به تعاملی عادلانه و دربرگیرنده منافع ملی در سطح بین‌المللی، دست یافت. دستیابی به توسعه پایدار و فراگیر مستلزم این است که دانش و تکنولوژی مورد نیاز در اختیار باشد و برای این منظور باید صاحب دانش و تکنولوژی بود و یا آن را از دیگران کسب کرد. کسب این ملزومات نیز نیازمند تن در دادن به قواعدی بین‌المللی است که صاحبان تکنولوژی پیش از این وضع نموده و به آن عمل می‌کنند. در نتیجه نیاز به دانش و تکنولوژی ما را وادار می‌نماید تا به‌سوی تعامل و روابط بین‌المللی سوق پیدا کنیم و تحقق این تعامل نیز لازمه‌اش پایبندی به قواعد بین‌المللی در زمینه‌های مورد نیاز است.

اعتقاد اجماعی به تساوی حقوق کشورها در سطح بین‌المللی و عدم امکان اعمال حاکمیت یک‌جانبه برای دستیابی به آنچه که در اختیار دیگر کشورها است؛ ما را ناچار می‌سازد تا در سطحی ظاهراً مساوی دست‌نیاز به‌سوی دارندگان تکنولوژی و دانش دراز کنیم. در این مرحله اگر سازماندهی ملی و قوانین و قواعد داخلی‌مان با قواعد و مقررات بین‌المللی حاکم بر حوزه مورد تعامل همخوانی لازم را نداشته باشند سه حالت قابل تصور است:

۱ - برای حفظ استقلال و عدم تخطی از مقررات و قوانین داخلی از دستیابی به دانش مورد نیاز چشم‌پوشیم.

۲ - برای رفع نیازهای خود و دسترسی به دانش و تکنولوژی، منابع ملی خود را در معرض خطر قرار داده و ظاهراً به آنچه می‌خواهیم برسیم.

۳ - و یا این‌که با آگاهی و بصیرت نسبت به سازوکارهای بین‌المللی و ضروریات ناشی از آن و اشراف کامل بر منابع داخلی و قوانین و مقررات ملی، توازن لازم بین قوانین ملی و فراملی را برای تحقق همزمان تعامل بین‌المللی و صیانت و تأمین منافع ملی فراهم سازیم.

با توجه به این که اراده دولت‌ها و ملت‌ها از طریق قواعد حقوقی به فعلیت درمی‌آید؛ برحسب ضرورت برای درک شرایط و موقعیت درست کشورمان در سطح جهانی در ارتباط با حوزه بیوتکنولوژی بایستی قواعد حقوقی و قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی را مورد مطالعه تطبیقی قرار دهیم. لذا در گفتارهای آتی ابتدا قوانین و مقررات و الزامات بین‌المللی و سپس مقررات داخلی و ملی را مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار دوم:

حقوق مالکیت فکری مرتبط با حوزه بیوتکنولوژی در حقوق بین‌المللی

زیست‌فناوری (بیوتکنولوژی) تا چند دهه قبل به صورت فعلی حوزه‌های دانش و تکنولوژی زیستی را تحت پوشش قرار نمی‌داد بلکه صرفاً ره‌آوردهای تجربی چندین هزار ساله بشر را تحت عنوان دانش سنتی دربرمی‌گرفت که از جمله می‌توان به آگاهی سومریان و مصریان قدیم از نحوه تهیه و استفاده مخمر برای پخت نان و شراب و اطلاع چینیان عصر کهن از طرز تهیه ماست و پنیر و سرکه و یا استفاده از کپک سویا برای درمان و یا بهره‌گیری از واکسن آبله در گذشته‌ای نه چندان دور، اشاره کرد.

هیچ‌یک از موارد فوق، در گذشته، به عنوان حقوق انحصاری متضمن منافع مادی در نزد هیچ ملتی تعریف نگردیده تا این که به روالی که ذکر آن رفت از قرن پانزدهم به این طرف حمایت از حقوق مالکیت فکری مورد توجه دولت‌های اروپایی قرار گرفت. صاحبان اندیشه برای پیشگیری از سرقت حاصل فکری خود در سطح بین‌المللی و برای حمایت از اندیشه‌ها و دستاوردهای نوین صنعتی و فنی که شکل حیات بشری را دگرگون می‌ساخت؛ بایستی، تمهیداتی فراهم می‌ساختند؛ انعقاد کنوانسیون پاریس اولین قدم در سطح بین‌المللی و برای حمایت از مالکیت فکری بود. اگرچه در زمان انعقاد موافقت‌نامه پاریس و سپس در تشکیل اتحادیه‌ای به همان نام امضاکنندگان تصوری از حقوق زیست‌فناوری در ذهن خود نداشتند اما

نوع نگرش و تعریفی که از مالکیت صنعتی به عمل آمده است، شاید بتواند این صنعت را در حوزه حمایت خویش جای دهد. بند ۲ ماده یک موافقتنامه پاریس (۱۸۸۳) راجع به حمایت مالکیت صنعتی عناوین مورد حمایت خود را برمی‌شمارد که از اهم آنها حق ثبت اختراع است. لذا حق اختراع یکی از اجزای مهم حقوق مالکیت صنعتی است و مطابق بند ۳ از همین ماده مالکیت صنعتی به مفهوم عام آن تمام حوزه‌ها اعم از صنعت، بازرگانی و کشاورزی و تمام محصولات اعم از مصنوعی یا طبیعی را دربرمی‌گیرد. مفهوم آن این است که مطابق کنوانسیون پاریس در هر زمینه از حوزه‌های یادشده، هر فراورده یا فرایندی که جدید باشد و دارای گام ابتکاری و کاربرد صنعتی باشد، قابلیت ثبت به‌عنوان یک اختراع را خواهد داشت. بنابراین هر کشوری که بتواند چالش‌های مطرح در زمینه زیست‌فناوری را به‌نوعی حل و فصل نماید، خواهد توانست از حق امتیاز (حق اختراع) به‌عنوان سازوکاری برای اعمال حمایت در حوزه زیست‌فناوری استفاده و از منافع حاصله بهره‌مند گردد. در این پروسه کنوانسیون پاریس بنیانی قوی ایجاد کرده است؛ به‌نحوی که می‌توان از آن به‌عنوان یک قانون اساسی در زمینه حمایت از حقوق مالکیت صنعتی و همچنین زیست‌فناوری استفاده کرد.^۱ با تصویب قانون پرورش‌دهندگان گیاهی ایالات متحده آمریکا به سال ۱۹۳۰ و تخصیص امتیازاتی خاص برای پرورش‌دهندگان گیاهی این حوزه وارد عرصه جدیدی شد. اگرچه اعطای حق ثبت اختراعات گیاهی در آمریکا را می‌توان نقطه عطف تاریخی در حوزه زیست‌فناوری به‌شمار آورد اما این موضوع هنوز با چالش‌های جدی روبه‌رو بود.^۲

در سال ۱۹۸۰ رویه قضایی آمریکا شناسایی حقوق ثبت اختراع گیاهان را به میکرو ارگانیسم‌ها تسری داد. در دعوی "دیاموند" علیه "چکرابراتی" دیوان عالی آمریکا رأی داد که

۱. همان، صص. ۱۰۰ - ۹۹.

۲. خادمی، حجت، بررسی نظام بین‌المللی حقوق مالکیت فکری در ارتباط با علم بیوتکنولوژی، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲، صص. ۶۴ - ۶۳.

میکروارگانسیم‌های ساخت دست بشر را که از لحاظ ژنتیکی در آزمایشگاه طراحی شده‌اند، می‌توان به‌عنوان اختراع ثبت کرد.^۱

به دنبال تصویب قانون سال ۱۹۳۰ ایالات متحده آمریکا در زمینه حمایت از ثبت گونه‌های جدید گیاهی و چالش‌های مطرح در زمینه حمایت از حقوق مالکیت فکری در زمینه زیست‌فناوری در سطح بین‌المللی، کشورهای اروپایی در سال ۱۹۶۱ نهادی تحت عنوان اتحادیه بین‌المللی حمایت از گونه‌های جدید گیاهی موسوم به UPOV^۲ را تأسیس نمودند که کنوانسیون مربوط به آن سیستمی تحت عنوان رژیم حمایت از گونه‌های گیاهی (PVP)^۳ را تعمیم و توسعه می‌دهد که براساس آن کشف گونه‌های جدید گیاهی نیز قابل ثبت است. این سیستم، گونه‌های ابداعی را به‌شرطی که از گونه‌های جدید قابل تمییز بوده و با ثبات و به حد کافی یک‌دست باشد مورد حمایت قرار می‌دهد.^۴

یکی از تمایزهای رژیم حمایتی (PVP) با نظام حق اختراع در این است که در معاهده UPOV کشف گونه‌های جدید گیاهی نیز قابل ثبت و حمایت است اما در نظام ثبت اختراع چنین امتیازی وجود ندارد و از طرفی نیز شاخص‌های مورد استناد در نظام UPOV عبارتند از:

۱ - جدید بودن؛ ۲ - تمایز از سایر گونه‌ها و ۳ - یک‌دستی و ثبات است. درحالی‌که در نظام ثبت اختراع شاخص‌های مورد استناد عبارتند از: ۱ - جدید بودن؛ ۲ - داشتن جنبه ابداعی یا گام ابتکاری و ۳ - قابلیت اجرا به‌صورت صنعتی. علاوه بر این، نظام حمایتی UPOV صرفاً شامل گروه خاصی از منابع ژنتیک گیاهی است درحالی‌که نظام ثبت اختراع عمومیت دارد. از نقایص این نظام حمایتی شمول بر تعداد محدودی از منابع ژنتیک و پابندی به اصل

۱. حبیب، همان، ص. ۹۸.

2. Union For the International Protection of New Plant Varieties (upov).

3. Plant Variety Protection (pvp).

4. Geoff ,Tansey, Food Security, Biotechnology and Intellectual Property, Quaker United Nations Office, July 2002, p.11.

دسترسی آزاد به منابع ژنتیک است که می‌تواند استقلال و حاکمیت دولت‌ها بر منابع‌شان را زیر سؤال ببرد. این نظام حمایتی نیز همانند ثبت اختراعات حمایت خود را حداکثر به مدت ۲۰ سال اعمال می‌کند.

در این اثنا، کنوانسیون "یکسان‌سازی ویژگی‌های خاص حقوق ماهوی ثبت اختراع"^۱ منعقد شد. در سال ۱۹۶۳ از سوی تعدادی از کشورهای اروپایی، انعقاد موافقت‌نامه "استراسبورگ در خصوص طبقه‌بندی بین‌المللی اختراعات"^۲ در سال ۱۹۷۱ و انعقاد "معاهده بوداپست در مورد شناسایی بین‌المللی تسلیم میکروارگانیسم‌ها برای استفاده تشریفات ثبت اختراع"^۳ در سال ۱۹۷۷ که در تاریخ ۱۹ اگوست ۱۹۸۰ لازم‌الاجرا گردید و همچنین معاهده (PCT)^۴ منعقد شد. در سال ۱۹۷۰ در واشنگتن راجع به تسهیل در ثبت بین‌المللی از اختراعات امکان ثبت و طبقه‌بندی نوآوری‌های زیست‌فناوری در چارچوب نظام ثبت اختراع را با تأکید بر این که فرایندهای میکروبیولوژیک و فرآورده‌های ناشی از آن در زمره استثنائات بر شمرده شده مثل فرایندهای بیولوژیک و گونه‌های گیاهی و حیوانی قرار نمی‌گیرد، تسهیل نمودند. متعاقب تصویب قانون حمایت از گونه‌های گیاهی جدید در آمریکا در دهه سوم از قرن بیستم و انعقاد معاهده حمایت از گونه‌های گیاهی جدید (UPOV) در سطح بین‌المللی که هم‌اکنون نیز به‌عنوان یک نظام ویژه و مؤثر مورد قبول کشورهای پیشرفته است؛ با توجه به عدم اقبال کشورهای در حال توسعه به این کنوانسیون و اتحادیه مربوط به آن به جهت بیم از این که گونه‌های زیستی موجود در این کشورها مورد دست‌ورزی کشورهای پیشرفته قرار گرفته و با شیوع گونه‌های جدید تنوع زیستی، استفاده پایدار از آن و نیز منابع ژنتیک آن‌ها در معرض مخاطره قرار گیرد، مقدمات کنوانسیون تنوع

1. Convention on the Unification of Certain Points of Substantive Law on Patents for Invention.
2. The Strasbourg Agreement Concerning the International patent Classification.(IPC).
3. Budapest treaty on the International Recognition of the Deposit of Microorganism for the Purposes of Patent Procedure.
4. Patent Cooperation Treaty.

زیستی^۱ فراهم و در پنجم ژوئن سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو به تصویب نهایی رسید. کنوانسیون، استفاده منصفانه از منافع حاصل از تجاری‌سازی و بهره‌برداری‌های دیگر از منابع بیولوژیکی جوامع و دانش بومی آنان را لازم می‌شمارد (بند ۲ ماده ۱۵). همچنین بیان می‌کند که دسترسی به منابع ژنتیک مشروط به تحصیل رضایت قبلی طرف قرارداد تأمین‌کننده چنین منابعی است، در غیر این صورت نحوه استفاده بایستی از سوی آن طرف مشخص شده باشد (بند ۵ ماده ۱۵). در ششمین نشست کنفرانس طرف‌های متعاقد (COP)^۲ در آوریل ۲۰۰۳ طرف‌ها بر تعدادی خطوط راهنمایی داوطلبانه درخصوص دسترسی به منابع و تقسیم منافع (ABS)^۳ توافق کردند که هدف آن تسهیل دسترسی به منابع ژنتیک در زمینه‌های مورد توافق طرفینی (MAT)^۴ و بر پایه رضایت از قبل اعلام‌شده کشور اصلی از طریق تأمین راهنما برای طرف‌ها در توسعه رژیم دسترسی و تقسیم منافع به موازات ارتقای ظرفیت‌سازی، انتقال تکنولوژی و مقررات منابع مالی، بود.

در این کنوانسیون طرف‌های قرارداد توافق می‌نمایند که مسئولیت تأمین و یا تسهیل دسترسی و انتقال فناوری‌ها شامل زیست‌فناوری و دیگر دانش‌هایی می‌شوند که به حفاظت و استفاده پایدار از تنوع بیولوژیکی مرتبط هستند و یا بهره‌برداری از منابع ژنتیک را بدون وارد آوردن خسارات قابل ملاحظه به محیط زیست میسر می‌سازند (بند یک ماده ۱۶). دسترسی به چنین فناوری‌هایی باید به گونه‌ای صورت گیرد که شناسایی دقیق و مؤثر حقوق مالکیت فکری و هماهنگی با آن را مدنظر داشته باشد. کنوانسیون همچنین این هدف را دنبال می‌کند که کشورهای در حال توسعه را که تهیه‌کننده منابع ژنتیک هستند به دسترسی داشتن به

1. Convention on Biological Diversity (CBD).
2. Conference of the Parties (COP).
3. Access and Benefit Sharing (ABS).
4. Mutually Agreed Terms.

فن‌آوری‌هایی که بهره‌برداری از آن منابع را ممکن می‌سازد، براساس شرایط مورد توافق دوجانبه شامل فناوری مورد حمایت توسط حق اختراع و دیگر حقوق مالکیت فکری به توانایی لازم برسانند (بند سوم از ماده ۱۶).^۱

با توجه به نگاه ویژه معاهده تنوع زیستی به بخش کشاورزی، کنفرانس طرف‌های شرکت‌کننده تصمیم گرفتند که اصلاحاتی را در تعهد بین‌المللی به منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی^۲ مصوب ۱۹۸۳ در فائو که ماده ژنتیک^۳ را به‌عنوان میراث بشریت^۴ مورد شناسایی قرار داده بود برای هماهنگی بیشتر با کنوانسیون تنوع زیستی مورد بازبینی قرار دهند. بر این اساس پس از ۷ سال مطالعه و بررسی از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱ "معاهده بین‌المللی راجع به منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی" توسط فائو تصویب شد. این معاهده بر سه مبنای اصلی شکل گرفت:

۱ - شناسایی حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع ژنتیک گیاهی خود؛

۲ - لزوم شناسایی حقوق کشاورزان؛

۳ - حوزه شمول معاهده و حقوق مالکیت فکری.

این تغییر دیدگاه باعث شد تا تعبیر میراث مشترک بشریت به عبارت مسئله مشترک بشریت تغییر یابد تا مانعی برای غارت منابع ژنتیک نباشد. این معاهده دسترسی به منابع ژنتیک را فقط از طریق دولت مرکزی مجاز شمرده تا منافع ملی در سطح بین‌المللی صیانت شود. همچنین به طرف‌های معاهده تکلیف می‌کند که در قالب مقررات ملی از حقوق زارعین، دانش سنتی، حق مشارکت منصفانه در تقسیم منافع حاصل از استفاده و بهره‌برداری از این دانش، صیانت کنند.

1. Geoff Tansey .Ibid. p.9.

2. International undertaking on Plant Genetic Resources for Food & Agriculture.

3. Germplasm.

4. Mankind Heritage.

این تکالیف در راستای حفظ حقوق زارعین و جوامع محلی گامی به پیش بوده و در مقایسه با عهدنامه UPOV که طلایه‌دار حمایت از پرورش‌دهندگان مدرن بوده و خواستار حذف معافیت کشاورزان برای استفاده مجدد از بذرهایی است که یک‌بار آن را کشت نموده‌اند؛ در تقابل با آن است. این معاهده تمامی منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی را در برمی‌گیرد و یک نظام چندجانبه را برای تسهیل دسترسی به منابع ژنتیک در قالب حقوق مالکیت فکری مبتنی بر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و قواعد ملی مرتبط، مجاز می‌شمارد. همچنین در ارتباط با تقسیم منافع مالی ناشی از استفاده تجاری گام‌های مهمی برداشته و در قالب پیشنهاد نظام‌های چندجانبه پیش‌گفته امکان تقسیم عادلانه و منصفانه منافع حاصل از استفاده از منابع ژنتیک از طریق مبادله اطلاعات، دستیابی و انتقال فن‌آوری، ظرفیت‌سازی و تقسیم منافع ناشی از تجاری‌سازی را فراهم می‌نماید. و در بند ۲ ماده ۱۳ سازوکاری همانند اتاق تهاتر مقرر در کنوانسیون تنوع زیستی را تبلیغ می‌نماید.^۱

بر این اساس در دهمین نشست کنفرانس طرف‌های متعاقد کنوانسیون تنوع زیستی در ناگویای ژاپن که از تاریخ هجدهم تا بیست‌ونهم اکتبر سال ۲۰۱۰ برگزار گردید، پروتکل ناگویا در ارتباط با دسترسی به منابع ژنتیک و سهم عادلانه و منصفانه از منافع حاصل از به‌کارگیری این منابع مورد توافق جمعی کنفرانس قرار گرفت. این پروتکل پس از امضا و تصویب ۵۰ کشور لازم‌الاجرا خواهد شد. در حال حاضر، چهار کشور الجزایر، برزیل، کلمبیا و یمن این موافقت‌نامه را امضا کرده‌اند. این سند تا اول فوریه ۲۰۱۲ در دفتر سازمان ملل در نیویورک برای امضا مفتوح خواهد بود. این پروتکل در ماده ۱۴ خود یک اتاق پایاپای برای دسترسی به منابع و برخورداری از منافع پایه‌گذاری کرده است. این اتاق اطلاعات به‌دست‌آمده توسط طرف‌های معاهده در مورد دسترسی به منابع ژنتیک و منافع مالی و به‌ویژه اطلاعات راجع به اجرایی‌سازی پروتکل را

۱. اقبالی درخشان، همان، صص. ۱۲۳ - ۱۱۶.

در دسترس قرار می‌دهد. این اطلاعات بایستی شامل استانداردهای سیاست‌گذاری راجع به دسترسی به منابع و تقسیم منافع، دستیابی به اطلاعات راجع به مقامات صالح ملی و سند پذیرش شروط مورد توافق متقابل و مقامات صالح مربوط از جوامع بومی و محلی باشد.^۱

اجرایی شدن این پروتکل می‌تواند تنظیم روابط عادلانه و منصفانه بین صاحبان تکنولوژی و دارندگان منابع ژنتیک و مصرف‌کنندگان محصولات و دانش فنی را تسهیل نماید.

رویکردهای نوین جامعه جهانی متبلور در موافقت‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی پیش‌گفته و همچنین تعهدات مورد قبول کشورهای عضو جامعه بین‌المللی از جمله دستور کار ۲۱ که برنامه‌ای جهانی و سندی بین‌المللی است، در سال ۱۹۹۳ در ریودوژانیرو به تصویب رهبران جهان رسیده و برنامه عمل قرن آینده کشورها را برای رسیدن به توسعه پایدار مشخص می‌کند و یا تفاهم‌نامه ایمنی زیستی و پروتکل ایمنی زیستی^۲ که نگرانی‌های ناشی از احتمال پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی استفاده از محصولات حاصل از دانش زیست‌فناوری را تعیین می‌کند و یا اعلامیه جهانی ژنوم انسانی در خصوص مزایای استفاده از تکنیک‌های مهندسی ژنتیک برای جامعه انسانی و محیط زیست و انتقادات وارد بر آن، باعث شده است؛ امروزه اهمیت دانش بومی و زندگی سنتی جوامع بومی و ارتباط و وابستگی وثیق آن‌ها با منابع زیستی‌شان روشن و آشکار شود. این بدان معنا است که ورود هرگونه صدمه و خسارت به منابع زیستی و اجزاء آن مثل اکوسیستم‌ها، زیستگاه‌های طبیعی و جمعیت گونه‌های گیاهی و حیوانی می‌تواند خطرات جبران‌ناپذیری را برای جوامع بشری به ارمغان آورد و حیات انسان‌ها را چه در درون آن جوامع و چه در جوامع خارج از آن با مخاطرات بسیار روبه‌رو سازد. بنابراین حفظ محیط زیست و بالطبع منابع ژنتیکی که یکی از اساسی‌ترین بنیادهای شکل‌دهنده محیط زیست است از امور حیاتی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی است.

1. <http://www.ip-watch.org/weblog/2011/02/07/nations-begin-signing-protocol-on-biodiversity-access-and-benefit-sharing>.

2. Cartagena Protocol on Biosafety to the Convention on Biodiversity[Biosafety Protocol].

در کنار این سازوکارهای به‌کارگرفته شده در سطح بین‌المللی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری و حقوق مصرف‌کنندگان تکنولوژی‌های مربوط به حوزه زیستی که بیانگر اهمیت روزافزون جنبه‌های اقتصادی حقوق مالکیت فکری در تمام زمینه‌ها و از جمله در زمینه زیست‌فناوری بود، انعقاد موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی در ارتباط با جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری تحت عنوان TRIPS که پیوستن به آن و قبول تعهدات ناشی از آن، از الزامات اولیه عضویت در سازمان تجارت جهانی WTO محسوب می‌شود، اهمیت و ارزش مضاعف جنبه‌های تجاری و اقتصادی حقوق مالکیت فکری را به‌منصه ظهور رسانیده است.

در عصر حاضر، تجارت بین‌المللی بدون ورود به حوزه حقوق مالکیت فکری امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ به‌ویژه برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا در حال توسعه که جهت دستیابی به علوم و فنون جدید، فرآورده‌ها و فرایندهای علمی و فنی مجبور به سازگاری با آن هستند؛ از این رو الزامات حقوق مالکیت فکری یکی از مشکلات مهم و پیش روی این کشورها است. در زمینه هر یک از شعب حقوق مالکیت فکری مورد حمایت موافقت‌نامه تریپس، محدودیت‌ها و استثنائاتی در نظر گرفته شده است تا ضمن جلوگیری از سوءاستفاده دارندگان این حقوق در خصوص تأمین منافع عموم و مصرف‌کنندگان نیز تمهیداتی اندیشیده شده باشد. در زمینه تعمیم حق اختراع به تمام رشته‌های فناوری که زیست‌فناوری نیز تابعی از آن است در ماده ۲۷ موافقت‌نامه و بندهای ذیل آن، پروسه خاصی مورد موافقت اعضا قرار گرفته است و براساس آن در بند یک، تجویز اعمال استثنائات مندرج در بند ۸ ماده ۷۰ حق ثبت برای هرگونه اختراعی اعم از فرآورده یا فرایند در تمامی رشته‌های فناوری را قائل شده است. موافقت‌نامه در فراز "ب" از بند ۳ ماده ۲۷ این حق انتخاب را برای اعضا قائل شده است تا نباتات و حیوانات و فرایندهای بیولوژیک را از شمول حق ثبت اختراعات استثنایان نموده و یا آن‌ها را مطابق این حق انحصاری و یا از طریق یک سیستم اختصاصی مؤثر یا ترکیبی از آن‌ها مورد حمایت قرار دهند.

انعطاف موافقت‌نامه این امکان را به وجود می‌آورد تا هر کشوری متناسب با شرایط و وضعیت توسعه‌یافتگی و میزان دسترسی به دانش و فن‌آوری در حوزه زیستی دست به انتخاب بزند و برای حمایت از دانش و فنون در دسترس خود و برای تجاری‌سازی آن‌ها و منتفع‌شدن از دستاوردهای پژوهشگران و دانشمندان فعال در قلمرو خود سازوکاری مناسب، اعم از حق ثبت اختراعات، موافقت‌نامه‌هایی بین‌المللی که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان نظام‌های ویژه و مؤثر حمایت نام برد، مثل معاهده حمایت از گونه‌های گیاهی جدید (UPOV)، کنوانسیون تنوع زیستی (CBD) و یا یک نظام اختصاصی ملی، فراهم نماید.

تریپس با پذیرش قابلیت حمایت گونه‌های معینی از مواد ژنتیکی از طریق ثبت به‌عنوان اختراع یا حمایت از گونه‌های گیاهی، از طریق یک نظام ویژه مؤثر و یا عدم ممانعت از اختصاص حق امتیاز (حق اختراع) به مواد ژنتیکی، تسلط بر چنین منابع ژنتیکی را برای بخش خصوصی میسر می‌سازد. این امر به‌رغم آنچه که در کنوانسیون تنوع زیستی مورد تأکید قرار گرفته است؛ در موافقت‌نامه تریپس حق حاکمیت کشورها بر منابع ژنتیک‌شان را زیر سؤال می‌برد. این موافقت‌نامه اعطای حق امتیاز یا دیگر گونه‌های حمایت مالکیت فکری به مواد ژنتیکی را بدون تضمین رعایت مقررات کنوانسیون تنوع زیستی، شامل مقررات مربوط به اعلام رضایت قبلی کشور صاحب منبع ژنتیکی و تقسیم منافع، تمهید کرده و میسر می‌سازد. نکاتی از این دست درخصوص رابطه بین موافقت‌نامه تریپس و مقررات کنوانسیون تنوع زیستی در حوزه دانش سنتی و جمعیتی بومی و جوامع محلی نیز مطرح گردیده است. بر این اساس گروهی از صاحب‌نظران پیشنهاد می‌کنند که شق "ب" از بند ۳ ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس به گونه‌ای اصلاح گردد که همه اعضا را مکلف به اعلام عدم قابلیت اعطای حق اختراع به اشکال حیات، نماید. و اگر این امر میسر نباشد، حداقل اختراعات مبتنی بر دانش سنتی و بومی و فراورده‌های حاصل از آن و فرایندهای مرتبط مستثنا گردند و اختراعاتی که هم‌راستا با مدلول ماده ۱۵

کنوانسیون تنوع زیستی نیستند، مورد حمایت واقع نشوند. و با نظر به حمایت از گونه‌های گیاهی، ترتیبی اتخاذ تا توازن بین علایق و منافع جامعه به‌عنوان یک کل و حمایت از حقوق کشاورزان و دانش سنتی و تضمین حفاظت از تنوع زیستی فراهم گردد.^۱

گفتار سوم:

حقوق مالکیت فکری زیست‌فناوری در حقوق ایران

آنچه که مسلم است کشور عزیزمان در زمره کشورهای در حال توسعه قرار دارد و تمام دوست‌داران پیشرفت و ترقی میهن، عزم جزم دارند تا با سرعتی هرچه تمام‌تر به هدف و مقصود که همان توسعه پایدار فراگیر و پویا است، دست یابند. این تلاش‌ها بسیار ستودنی است؛ لیکن واقعیت جامعه حاکی از آن است که کشورهای پیشرفته صنعتی با داشتن تکنولوژی روز در دست شرکت‌های چند ملیتی و استفاده از انحصارات حاصل از حقوق مالکیت فکری و سرمایه‌گذاری‌های عظیم مبتنی بر دانش و فناوری در تمامی حوزه‌های صنعت، کشاورزی و خدمات ابتکار عمل را در روابط بین‌المللی به‌دست گرفته و مقدرات اقتصادی جهان را تحت سیطره خود داشته و از آن طریق حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دیگر کشورها را نیز متأثر کرده و مورد حمله قرار می‌دهند. بخش عظیمی از این قدرت تعیین‌کننده ناشی از مالکیت بر دانش و تکنولوژی، به‌ویژه در زمینه‌های زیست‌فناوری و نوآوری‌ها و حقوق مالکیت فکری ناشی از آن‌ها است. برای دستیابی به توسعه فراگیر چاره‌ای جز تعامل بین‌المللی وجود ندارد و در این تعامل اگر سازوکار و ابزارهای مناسب در اختیار نباشد امکان رقابت سودمند وجود نخواهد داشت. با توجه به این که بحث این مقال در ارتباط با مطالعه تطبیقی حوزه حقوق مالکیت فکری مرتبط با زیست‌فناوری است تا دریابیم که چقدر قدرت تعامل در این زمینه در دادوستد تعامل بین‌المللی وجود دارد؛ در سطور آتی قوانین و مقررات حمایت‌کننده از این حقوق مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

1. WTO. The Secretariat Revision, The Relationship Between The TRIPS Agreement and The Convention on Biological Diversity, 2006, p.p. 3-8, IP/C/W/368/Rev.1.

به نظر مطابق ماده ۲۶ قانون سابق ثبت علائم و اختراعات مصوب ۲۹ تیرماه ۱۳۱۰، امکان ثبت اختراعات در زمینه زیست‌فناوری وجود داشت. زیرا که این ماده اعطای حقوق انحصاری ناشی از هرگونه اکتشاف یا اختراع جدید در شعب مختلف صنعتی یا فلاحتی را برای صاحب آن تجویز کرده و مورد تأیید قرار می‌داد. اگرچه این قانون تمایزی بین اکتشاف و اختراع قائل نبود و برای هر دو تحت عنوان حق ثبت اختراع، حقوق انحصاری واحد در نظر می‌گرفت؛ این اشکال، در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ بر طرف و در بند "الف" از ماده ۴ آن کشفیات از حق ثبت به‌عنوان اختراع مستثنا شده است، اما مفاد بند "د" همان ماده منابع ژنتیک و اجزای ژنتیک تشکیل‌دهنده آن‌ها و همچنین فرایندهای بیولوژیک تولید آن‌ها را از حق ثبت به‌عنوان اختراع معاف و مستثنا نموده است که این مطلب اگرچه از يك سو به دلیل این که مانع ثبت منابع ژنتیک کشور توسط بیگانگان دارنده تکنولوژی، به‌عنوان اختراع می‌گردد؛ باعث مسرت است اما از سوی دیگر، فقدان يك سیستم منسجم حمایت از منابع مذکور نگرانی‌هایی را به‌وجود می‌آورد؛ زیرا که فقدان يك نظام ثبتی معتبر و قابل ارائه در جامعه ملی و فراملی باعث خواهد شد تا این حوزه ارزشمند و ثروت‌بی‌کران ملی بدون حمایت باقی بماند. از طرفی نیز به‌دلیل مباینت این قانون با قسمت "ب" بند ۳ ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس که پذیرش حق ثبت اختراع برای میکروارگانیسم‌ها و فرایندهای میکروبیولوژیک و غیربیولوژیک و یا پذیرش يك سیستم اختصاصی مؤثر یا ترکیبی از آن‌ها را برای حفظ گونه‌های نباتی و غیره توصیه کرده است، امکان پیوستن به سازمان تجارت جهانی و در نتیجه ورود به بازار جهانی را نیز مشکل می‌سازد. علاوه بر این‌ها به نظر این قید، دایره شمول تعریف اختراعات مندرج در ماده ۲ قانون یادشده را نیز محدود می‌کند و با معاهده همکاری ثبت اختراعات که در سال ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و اجازه الحاق به آن داده شده است و آیین‌نامه اجرایی آن، همسو و هماهنگ نیست؛ زیرا که در این

کنوانسیون و آیین‌نامه اجرایی آن که مورد پذیرش واقع شده، امکان ثبت میکروارگانیسم‌ها و فرایندهای میکروبیولوژیکی فراهم گردیده است.

از دیگر مقررات حمایت‌کننده از نوآوری‌های حوزه‌های مختلف از جمله زیست‌فناوری که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد عبارتند از:

۱ - قانون مقررات امور پزشکی، دارویی، مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ با اصلاحات بعدی در مواد ۱۳ و ۱۴ خود به تعریف داروی اختصاصی و ثبت دارو تحت فرمول و اسم ثابت و علامت صنعتی مخصوص در داخل یا خارج کشور و نحوه افشای اطلاعات راجع به نوآوری و ابتکارات در زمینه داروسازی و بهداشت را مورد اشاره قرار می‌دهد اما سازوکار مشخص و چارچوب دقیق حمایت و ضمانت‌های اجرایی آن را مبهم باقی می‌گذارد؛ درحالی‌که این قانون با توجه به حوزه کاربردی آن یعنی مواد شیمیایی و دارویی و بالطبع گیاهی و مواد طبیعی و مصنوعی قابل استفاده در صنعت داروسازی می‌تواند زیست‌فناوری، نانو تکنولوژی و پزشکی هسته‌ای را تحت پوشش قرار دهد و در صورت ناکارآمدی مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

۲ - اساسنامه^۱ سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی تأسیس شده در سال ۱۳۵۹، این سازمان را متولی حمایت از اختراعات و ابداعات از زمان تحقیق تا تولید قلمداد می‌کند. این اساس‌نامه در تبصره ماده ۱۳ اعلام می‌دارد که اختراع یا ابتکار به نام سازنده آن به ثبت خواهد رسید اما مشخص نیست که اختراعات و ابداعات توسط مؤسسه به ثبت می‌رسد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است تحت چه شرایطی و طی چه تشریفات و با کدام ضمانت اجرایی ثبت و حمایت صورت تحقق به خود می‌گیرد؟ در این صورت آیا این امر يك فعل موازی با تکالیف و وظایف اداره کل مالکیت صنعتی و سازمان ثبت اسناد و املاک نیست؟ نهادهای بین‌المللی کدام يك از این دو مرجع را به‌عنوان متولی و نماینده کشور در ثبت اختراعات و ابتکارات باید بشناسند؟

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹، صص ۲۵۸ - ۲۵۲ (نقل از: روزنامه رسمی، شماره ۱۰۳۲۵ - ۱۳۵۹/۵/۱۶).

۳ - بخشنامه شماره ۱۱۱۵ ر د ک ۷۵/۲/۳۰ معاونت بهداشت و غذای وزارت بهداشت و درمان آموزش پزشکی در بند ۲ اعلام می‌دارد اگر نوآوری معرفی شده در زمینه بهداشت و غذا مشمول قانون ثبت اختراعات و اکتشافات نباشد، حق انحصاری تولید آن برای مدت ۲۰ سال در اختیار شرکت تولیدکننده است و از حمایت لازم برخوردار خواهد بود اما بخشنامه مزبور روشن نمی‌سازد که این حمایت تحت چه ضابطه و شرایطی اعمال می‌شود و از کدام جایگاه قانونی برخوردار است. آیا فقدان یک رویه و متولی واحد در کشور نمی‌تواند زمینه‌های سوءتعبیر و سوءاستفاده از موضوع را برای شرکت‌های چندملیتی بیگانه و نیز شرکت‌های تولیدکننده مواد دارویی و غذایی داخلی به وجود آورد و انحصاراتی را به جامعه تحمیل نماید؟

۴ - دستورالعمل تولید و عرضه دارو با نام اختصاصی مصوب ۱۳۸۱/۱/۲۵ بدون تمایز بین اختراع و کشف داروی جدید، برای کاشف داروهای اختصاصی، حق مالکیت فکری Patent قائل شده است که این امر می‌تواند در مقایسه با قانون سابق ثبت اختراعات، یک موازی‌کاری و در مقابل قانون جدید ثبت اختراعات که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، متناقض تلقی شود. این تناقض و دوگانگی می‌تواند مستمسکی در دست سودجویان باشد.

۵ - به موجب قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹ مؤسسه تحقیقات ثبت و گواهی بذر و نهال در سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی تأسیس و به‌عنوان متولی اعمال حقوق مالکیت فکری و حمایت از ابداعات و نوآوری‌ها در زمینه شناسایی، ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال تعیین شده است. این مؤسسه مرجعی در موازات اداره مالکیت صنعتی و دیگر نهادهایی است که هر یک در حوزه‌ای خاص متولی اعمال حقوق مالکیت فکری هستند.

۱. امانی، تقی، "قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری"، ج. اول، تهران، بهنامی، ۱۳۸۳، صص. ۲۹۹ - ۲۹۶.
 ۲. مجموعه قوانین سال ۱۳۸۲، صص. ۷۳۶ - ۷۳۲، نقل از: روزنامه رسمی شماره ۱۷۰۳۳ - ۱۳۸۲/۵/۲۹ (نقل از: همان، صص. ۲۶۵ - ۲۶۱)

در ماده ۳ این قانون صفات جدید بودن، یکنواخت بودن و ثبات رقم گیاهی را از شرایط لازم برای ثبت آن برشمرده است و در تبصره ذیل ماده اعلام داشته است که ذخایر ژنتیک گیاهی اصلاح‌نشده وحشی به‌عنوان ذخایر ملی تلقی گردیده و ثبت آن‌ها تحت نام بخش‌های غیردولتی مجاز نمی‌باشد. ثبت این‌گونه ذخایر براساس تقاضای دستگاه‌های دولتی تحت نام دولت جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد شد.

با توجه به این‌که در متن ماده مزبور جدید بودن از شرایط لازم برای ثبت رقم گیاهی قلمداد شده، مشخص نیست ذخایر ژنتیک را که از گذشته دور موجود بوده چگونه به‌عنوان رقم جدید تلقی خواهد کرد. اگر در این مورد استثنایی بر اصل وجود دارد، تصریحی بر آن صورت نگرفته است. از طرفی نیز بخش غیردولتی را از امتیاز ثبت منابع ژنتیک محروم ساخته است، درحالی‌که معمولاً بخش دولتی در مقایسه با بخش خصوصی از کارآمدی کمتری در کلیه زمینه‌ها برخوردار است. زیرا که انگیزه رقابت در بخش دولتی معمولاً کمتر از بخش خصوصی است. در این حال، اگر یک مرجع تحقیقاتی خصوصی به یک منبع ژنتیکی که تاکنون به ثبت نرسیده، دست پیدا کند، تکلیف او در مقابل دولت و تکلیف دولت در مقابل او چه خواهد بود؛ این موارد در قانون مورد اشاره قرار نگرفته است. در نتیجه، این عدم تصریح موجبات سردرگمی و ابهام را فراهم می‌سازد.

یکی از تفاوت‌های این سیستم حمایتی با حق ثبت اختراع در این است که در ماده ۴ برخلاف سیستم اعلامی ثبت اختراع که آن را از بررسی ماهوی بی‌نیاز می‌سازد، پیش‌آزمایی را ضروری و برای این کار رعایت استانداردهای ملی را که بنا بر اعلام از استانداردهای بین‌المللی بالاتر خواهد بود، ملاک عمل قرار داده است. از طرفی در ماده ۱۲ تمایل قانون‌گذاری برای عضویت در برخی معاهدات بین‌المللی مرتبط مثل اتحادیه بین‌المللی حمایت از ارقام گیاهی جدید برای تبادل اطلاعات و فراهم‌سازی زمینه کسب تکنولوژی و انجام تحقیقات مطلوب

علمی مورد اشاره قرار گرفته است، درحالی که در مجامع بین‌المللی کشورهای در حال توسعه الحاق به کنوانسیون UPOV را به نفع کشورهای صنعتی پیشرفته و صاحب تکنولوژی زیست‌فناوری دانسته و از الحاق به آن پرهیز می‌نمایند. زیرا که تکنولوژی زیست‌فناوری در دست کشورهای پیشرفته بوده و منابع ژنتیک اغلب در کشورهای در حال توسعه قرار دارد و کنوانسیون مزبور دسترسی به منابع ژنتیک را بدون محدودیت، آزاد شمرده است و این موضوع با منابع ملی این کشورها در تضاد است.

از مجموع موارد برشمرده شده در گفتار حاضر، نگارنده به این دریافت رسیده است که در زمینه حقوق مالکیت فکری در بعد ملی سیستم منسجم و یک‌دست و نهاد واحدی که نمایندگی کشور در این زمینه در جامعه بین‌المللی را برعهده بگیرد، وجود ندارد.

گفتار چهارم:

نتیجه و پیشنهادها

در کشورهای پیشرفته صنعتی با توجه به این که بحث نوآوری و ابتکار و اختراع در زمینه گیاهان، کشاورزی، داروسازی، مواد شیمیایی و دست‌ورزی میکروارگانیسم‌های زنده و دارای حیات، قدمتی بیش از چندین دهه دارد؛ قوانین و مقررات مورد نیاز برای مدیریت این حوزه‌ها نیز در حد قابل قبول و متناسب با شرایط حاکم بر آن جوامع قوام یافته و شکل مطلوب و مورد نظر سیاست‌گذاران این کشورها را به خود گرفته است. در این کشورها به لحاظ دسترسی به دانش و فن‌آوری‌های پیشرفته در زمینه‌های مختلف و سرمایه‌گذاری‌های عظیم شرکت‌های چندملیتی در زمینه‌های تحقیقات کشاورزی، داروسازی، صنایع غذایی و حوزه‌های بهداشت و درمان و غیره و بهره‌گیری از سازوکارهای مختلف حقوق مالکیت فکری اعم از حق ثبت اختراع، یا حقوق ملی روزآمد و خاص خود و یا با پیوستن به معاهدات بین‌المللی شناخته شده به‌عنوان نظام‌های ویژه و مؤثر، امکان تجاری‌سازی نتایج تحقیقات و برقراری رابطه منطقی بین

تحقیق و تجارت و بازار اقتصاد جهانی را برای آن‌ها فراهم ساخته است. و هر روز شاهد اعلام دستاوردهای تازه‌ای در هر یک از زمینه‌های یادشده از سوی این کشورها هستیم و در نتیجه با تعمیم حقوق مالکیت فکری بر این یافته‌ها، حقوق انحصاری مترتب نیز در دستان صاحبان دانش و فن‌آوری قرار گرفته است. از این رو است که دسترسی به این فن‌آوری‌ها و علوم برای رفع نیازهای موجود، مستلزم تمکین از سازوکارهای حقوق مالکیت فکری اعطایی به صاحبان امتیاز است که غالباً کشورهای درحال توسعه توانایی تعامل با آن را نداشته و در نتیجه از دانش و فن موردنظر بی‌بهره می‌مانند و یا این‌که منابع مالی و سرمایه‌های زیادی را در این طریق از دست می‌دهند. به همین لحاظ یکی از مباحث عمده محافل علمی و رسمی مرتبط در کشورهای درحال توسعه و محور بحث در مذاکرات و نشست‌های مربوط به حقوق مالکیت فکری؛ چگونگی اعطای آن به ابتکارات و اختراعات و حق امتیازات در زمینه موجودات زنده اعم از گیاهان، حیوانات و میکروارگانیسم‌ها و بافت‌های انسانی است. فقدان قوانین و مقررات منسجم، یک‌پارچه و جامع در این خصوص مشکلات و تردیدهای فراوانی را فراروی آن‌ها در ارتباط با حوزه زیست‌فناوری و چگونگی حقوق مالکیت فکری ناشی از آن قرار داده است. کشورهای درحال توسعه به منابع طبیعی متنوع و ذخائر ژنتیک غنی که استفاده و بهره‌برداری مطلوب از آن‌ها منافع اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برایشان به ارمغان خواهد آورد، دسترسی دارند؛ اما استفاده از این منابع و پتانسیل‌های بالقوه محتاج دسترسی به فن‌آوری و دانش پیچیده و روزآمد است که در ید شرکت‌های بزرگ چندملیتی و کشورهای پیشرفته قرار دارد و به‌جز از طریق پرداخت حق امتیاز ناشی از حقوق انحصاری تخصیص یافته به فن‌آوری و دانش مورد بحث، به‌دست نمی‌آید. کشورهای توسعه‌یافته و شرکت‌های چندملیتی تابع آن‌ها برای انتقال فن‌آوری و دانش مورد تقاضا سازوکارها و ترتیبات مشخصی در اختیار دارند و دستاوردهای خود را صرفاً از طریق قراردادهای و موافقت‌نامه‌های تجاری مثل قرارداد واگذاری یا فروش

(Assignment)^۱، قرارداد لایسنس (Licenceing Agreement)^۲، موافقت‌نامه خرید دانش فنی^۳، قراردادهای کلید در دست و فرانسیز - (Turn Key Contract and Franchising)^۴ و یا قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک (Joint Venter Agreement)^۵ و با لحاظ کردن حقوق مالکیت فکری اعطایی به فن‌آوری در حال انتقال، واگذار می‌نماید. به این نکته نیز باید توجه کرد که صرف انتقال فن‌آوری و دانش مورد بحث امکان بهره‌برداری از این موهبت و دستیابی به توسعه را فراهم نمی‌سازد؛ بلکه باید الزامات حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متناسب با فن‌آوری وارداتی نیز تمهید شود تا امکان بهره‌برداری مطلوب از آن در جامعه پذیرنده فراهم گردد. جای خالی نظام حقوقی قوی حمایت‌کننده و عدم آگاهی و نداشتن دانش کافی در مورد

۱. قرارداد واگذاری یا فروش، انتقال مالکیت فن‌آوری و حقوق ناشی از آن بدون محدودیت زمانی و بدون هیچ‌گونه شرط محدودکننده است. برخی از مصادیق حقوق مالکیت فکری نظیر حق اختراع، علائم تجاری، دانش فنی، طرح‌های صنعتی، مدل‌های مصرفی و غیره قابل انتقال از طریق این شیوه هستند.

۲. در قرارداد لایسنس حق انحصاری تحت شرایط معین و برای زمان و مکان مشخص به خریدار واگذار می‌شود. در این نوع قرارداد، مالکیت صاحب حق در زمان اجرای قرارداد ادامه می‌یابد و فروشنده آماده‌سازی و تجهیز امکانات بهره‌برداری برای خریدار را تعهد می‌کند و در مقابل، خریدار متعهد به پرداخت یک مبلغ معین و یا درصدی از درآمد حاصل به مالک اصلی خواهد بود. مرجع رسیدگی‌کننده و قانون حاکم بر رفع اختلافات نیز در این قرارداد مشخص می‌گردد.

۳. موافقت‌نامه خرید دانش فنی معمولاً در ضمن یک قرارداد بزرگتر مثل قرارداد لایسنس منعقد و طی آن صاحب فن‌آوری و اختراع متعهد می‌شود که در مقابل مابه‌ازاء دریافتی فن‌آوری مورد نظر را نیز به‌طور مطلوب منتقل نماید و در صورت لزوم، منابع انسانی متخصص را نیز گسیل نماید. شرط عدم افشای دانش فنی در این قراردادها معمولاً گنجانده می‌شود.

۴. در قراردادهای کلید در دست فروشنده همه امکانات اعم از امکانات فیزیکی و منابع انسانی متخصص را آماده کرده و در اختیار بهره‌بردار قرار می‌دهد. و در قرارداد فرانسیز فروشنده تحت شرایط معین حق تولید و فروش محصولات و بهره‌گیری از علائم تجاری خود را به بهره‌بردار واگذار می‌کند.

۵. در قرارداد و سرمایه‌گذاری مشترک، یک شخصیت حقوقی مجزا از سوی دو طرف ایجاد و سرمایه و منافع هر یک نیز مشخص می‌گردد و در آن قرارداد نحوه مالکیت واگذارنده، زمان قرارداد، موضوع قرارداد، دانش فنی مورد مبادله و حق تولید و گسترش فن‌آوری تصریح می‌شود.

منابع طبیعی و ذخائر ژنتیکی و دانش جوامع بومی و سنتی در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته باعث شده است تا این امکانات بدون پرداخت وجهی و به صورت رایگان در اختیار شرکت‌های چندملیتی قرار گرفته و مورد سوءاستفاده واقع و بعضاً پس از مختصری اعمال تغییرات به نام این شرکت‌ها و مؤسسات ثبت و از این طریق منابع ژنتیک و دانش بومی این جوامع مورد چپاول و غارت قرار گیرد. همان طور که در مبحث پیشین مورد بررسی قرار گرفت، کشور ما نیز که در زمره کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، علاوه بر این که با مشکلات پیش گفته دست به گریبان است؛ با مشکل مضاعف پراکندگی قوانین و مقررات و مراجع ذی صلاح موازی نیز مواجه می‌باشد؛ مراجعی که نه تنها در یک راستا حرکت نمی‌کنند و مکمل همدیگر نیستند بلکه میل به تقابل و تحدید حدود یکدیگر هم در آن‌ها ملموس و مشهود است. برای نمونه می‌توان به این موضوع اشاره کرد که مطابق ماده ۱۲ قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹ عضویت در نهاد بین‌المللی UPOV تجویز شده است؛ اما از نظر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که متولی حقوق مالکیت صنعتی و نماینده کشور در مجامع بین‌المللی است، الحاق به اتحادیه مزبور مورد تردید و مواجه با چالش است. علاوه بر این، هیچیک از قوانین و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط جامع و مانع و جوابگوی نیاز و اقتضای زمان حاضر نیستند.

در کنار همه موارد و کاستی‌های پیش گفته که بر نظام کلی حقوق مالکیت فکری مترتب است، به طور ویژه می‌توان به برخی چالش‌های مشخص پیش‌روی نظام ثبت اختراعات به شرح ذیل اشاره کرد:

۱ - آیا می‌توان موجود زنده را به صرف این که از آن داروی جدیدی قابل استحصال است،

ثبت کرد؟

۲ - آیا حق مالکیت بر ژن‌های انسانی که به جامعه بشری تعلق دارد، برای اشخاص

حقیقی و حقوقی متصور است؟

۳ - آیا با ثبت نمونه‌های بیولوژیکی به‌عنوان اختراع، می‌توان خرید و فروش آن‌ها را قانونی اعلام کرد؟

۴ - آیا می‌توان این نمونه‌ها را تولید و برای فروش عرضه کرد؟

۵ - آیا اخلاق و نظم عمومی جامعه و منافع و مصالح ملی، ثبت موجودات زنده به‌عنوان اختراع را تجویز می‌کند؟

و سؤالات بی‌شمار دیگری که به موازات عدم دسترسی ما به فن‌آوری‌های بسیار پیچیده و پیشرفته در حوزه زیست‌فناوری، نظام ثبت اختراعات سابق و فعلی را برای ما به نظامی ناکارآمد و نامناسب تبدیل می‌کند. زیرا که اغلب دستاوردهای زیست‌فناوری در اختیار بیگانگان بوده و تن‌دادن به سیستم ثبت اختراعات که با تصویب قانون جدید این امکان منتفی شده است؛ باعث می‌شود تا کشورهای پیشرفته و شرکت‌های چندملیتی با تحمیل حقوق انحصاری در زمینه‌های مورد نیاز، منافع ملی ما را به خطر بیندازند. زیرا که به صرف افشای اطلاعات، امکان استفاده از همه فن‌آوری‌ها فراهم نمی‌شود بلکه همان‌طور که ذکر شد، باید تمهیدات لازم برای بهره‌برداری از آن فراهم گردد. بر فرض قبول حق ثبت اختراع، اعطای حق ثبت اختراع برای دستاوردهای زیست‌فناوری می‌تواند ضمن ایجاد انحصار برای شرکت‌های بزرگ چندملیتی، مانع دستیابی به فن‌آوری‌های نو و جریان آزاد اطلاعات و کاربرد آن‌ها شود و موجبات افزایش قیمت کالاهای ضروری مثل مواد غذایی پایه و دارو را فراهم نماید.

توسل به این نظام کلی (نظام ثبت اختراعات) اگرچه در زمینه فن‌آوری و صنعت صرف، مطلوب است اما در حوزه زیست‌فناوری می‌تواند با توجه به ارتباط عمیق این حوزه با سلامت و امنیت و حیات جمعی جامعه، با تأکید بر منافع فردی پدیدآورندگان، منافع جامعه را به مخاطره بیافکند و در عمل به امور اخلاقی و زیست‌محیطی صدمه وارد نماید.

در مقابل نظام ثبت اختراع، اگر به کنوانسیون حمایت از گونه‌های گیاهی جدید به‌عنوان یک گزینه که برخی کشورهای پیشرفته از آن تحت عنوان یک نظام ویژه و مؤثر یاد می‌کنند، نظر داشته باشیم، همان‌طور که در قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال نیز الحاق به آن تجویز شده است، به جهت محدودسازی حقوق و معافیت‌های کشاورزان و مصرف‌کنندگان و تأکید بر حقوق پدیدآورندگان و دسترسی آزاد به منابع ژنتیک و نادیده‌گرفتن جایگاه جوامع بومی و دانش سنتی می‌تواند حاکمیت دولت‌ها بر منابع‌شان را متزلزل سازد. از یک طرف نیز به جهت محدودیت محدوده و قلمرو حمایت نمی‌تواند تمامی حوزه‌ها تحت پوشش زیست‌فناوری را شامل گردد. پس نمی‌توان آن را گزینه‌ای مناسب برای کشور در حال توسعه ایران تلقی کرد.

برای احتراز از احتمالات منفی مورد اشاره و با توجه به تجویز موافقت‌نامه تریپس که راغب به الحاق به آن هستیم تا بتوانیم به عضویت سازمان تجارت جهانی درآییم و برای جلوگیری از غارت و چپاول منابع و ذخایر ژنتیکی غنی کشور اعم از منابع ژنتیکی گیاهی یا حیوانی و انسانی و فراهم‌سازی امکان جذب دانش و فن‌آوری روزآمد در زمینه زیست‌فناوری و صیانت از دانش بومی و سنتی که در این زمینه نیز بسیار غنی هستیم، پیشنهاد می‌شود با توجه به عضویت در کنوانسیون تنوع‌زیستی و اتکا به تمهیدات در نظر گرفته‌شده در پروتکل ایمنی‌زیستی و معاهده منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی، ضمن تلفیق نکات مثبت نظام‌های مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی، نظامی ویژه و مؤثر و ملی برای حمایت از دستاوردهای زیست‌فناوری تهیه و تدوین نماییم که در این نظام، خصوصیات و امکانات ذیل لحاظ گردد؛

۱ - يك نهاد عالی و واحد برای مدیریت حقوق مالکیت فکری تعیین که ضمن مدیریت بر موضوع در سطح ملی نمایندگی تام‌الاختیار کشور در جامعه جهانی را نیز داشته باشد و سیاست

واحدی را در این زمینه اعمال کند. در این نهاد عالی، نمایندگان تمامی نهادهای ذی‌ربط به‌صورت هیئت امنای عضویت و حق رأی داشته باشند و هر سازمان ذی‌ربطی در زمینه‌های تخصصی خود دارای حق رأی ممتاز باشد و در عین حال، تابع سیاست‌های کلی نظام بوده و این سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها را به سازمان و نهاد متبوع خود منتقل و القا نماید. و کلیه نهادهای ذی‌ربط در زمینه حقوق مالکیت فکری تابع این نهاد عالی باشند.

نهاد عالی یادشده، نظامی را تدوین و مدیریت خواهد کرد که دارای خصوصیات ذیل باشد:

۱ - ۱ - جامع و مانع و تمام شمول باشد.

۱ - ۲ - امکان شناسایی علمی و ثبت ذخایر و منابع ژنتیکی طبیعی اعم از گیاهی و حیوانی موجود در محیط زیست طبیعی کشور، تهیه شناسنامه و امکان تعمیم حمایت به این ذخایر را به‌منظور حفظ و صیانت آن‌ها از استفاده نامطلوب و جلوگیری از غارت و چپاول ثروت ملی، فراهم سازد.

۱ - ۳ - حمایت حقوق مالکیت فکری را به دستاوردهای زیست‌فناوری در حوزه‌های سه‌گانه منابع ژنتیکی گیاهی، حیوانی، انسانی تعمیم دهد و هر سه حوزه را تحت نظام واحد، مدیریت نماید.

۱ - ۴ - این نظام حمایتی بایستی هماهنگی لازم با استانداردهای بین‌المللی را داشته باشد تا امکان تعاملات بین‌المللی را نیز به وجود آورد.

۱ - ۵ - شرایط لازم و دقیق برای اعطای حقوق مالکیت فکری، مدت حمایت و زمان‌های عمومی‌سازی را اعلام و اعمال نماید.

۱ - ۶ - سطح و حدود و قلمرو حمایت و گستره حقوق انحصاری اعطایی برای شرایط مختلف را معین نماید.

۱ - ۷ - استثنائات در اعطای حقوق مالکیت فکری زیست‌فناوری را با توجه به بهداشت

جامعه، موانع اخلاقی، حقوقی و نظم عمومی مشخص نماید.

۸ - ۱ - سازوکارهای دستیابی به منابع و ذخائر ژنتیکی طبیعی در سطح ملی برای محققین و پژوهشگران حقیقی و حقوقی داخلی و پیامدهای آن را به‌طور مشخص بیان کند.

۹ - ۱ - سازوکارهای دستیابی اشخاص حقیقی و حقوقی بیگانه و خارجی به منابع ژنتیکی و منافع مورد انتظار از آن با تکیه بر اصل رضایت قبلی دولت به‌صورت قراردادهای نمونه و استاندارد دوجانبه و چندجانبه و موارد استثنا و میزان انعطاف قراردادهای تعیین و اعلام نماید.

۱۰ - ۱ - سازوکارهای لازم برای کسب و جذب فن‌آوری و دانش فنی و مبادله اطلاعات با توجه به قراردادهای استاندارد بین‌المللی مرتبط و قراردادهای دسترسی به منابع، براساس معیارهای عدالت‌خواهانه و منصفانه را فراهم آورد.

۱۱ - ۱ - جهت تضمین استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفظ ذخایر ژنتیکی و تنوع زیستی، سازوکار لازم برای توسعه زیست‌بوم‌ها و تولید و تکثیر این منابع و صیانت از گونه‌های طبیعی را تمهید کند.

۱۲ - ۱ - تمهیدات لازم برای تجاری‌سازی حقوق مالکیت فکری زیست‌فناوری و تقسیم منافع ناشی از آن و انتقال فن‌آوری به جامعه در حوزه ملی و بین‌المللی را ارائه و اعمال نماید.

۱۳ - ۱ - جایگاه دانش سنتی و دانش جوامع بومی و حقوق کشاورزان و نحوه حفظ، توسعه و تعمیم حقوق مالکیت فکری و حقوق انحصاری به این حوزه در مقابل نهضت زیست‌فناوری جدید را تعیین و سامان‌دهی نماید.

۱۴ - ۱ - به حقوق مصرف‌کنندگان و کاربران گونه‌های جدید در مقابل حقوق پدیدآورندگان توجه کند و تعادلی بین حقوق فردی و جمعی به وجود بیاورد.

۱۵ - ۱ - تدوین نظامی دقیق را برای حل و فصل اختلافات در حوزه خصوصی و عمومی و ملی و بین‌المللی با توجه به حقوق کیفری و مدنی در دستورکار خود قرار دهد.

۱۶ - ۱ - بر اصل مسئولیت مدنی دولت‌ها به‌عنوان سازوکاری جهت احقاق حقوق دولت در مواقعی که دولت دیگری باعث ورود خسارت به محیط زیست و منابع طبیعی و ذخایر ژنتیکی در قلمرو دولت ایران می‌شود و نیز فراهم‌سازی امکان قانونی و موجه استنکاف از ایفای تعهدات متقابل در صورت ورود خسارات جدی به محیط زیست خود تأکید کرده و مقررات لازم برای اجرای این منویات را پیش‌بینی نماید.

۱۷ - ۱ - منابع مالی لازم برای اداره نهادی که این نظام را مدیریت می‌کند و نیز نحوه تأمین منابع مالی اجرای مقررات و قوانین و هزینه‌ها و درآمدها را مشخص نماید.

۲ - به نظر نگارنده، در حوزه زیست‌فناوری در موارد خاص و استثنایی می‌توان فرایندهای صرف را منصرف از فراورده‌های حاصل تحت پوشش حق ثبت اختراعات قرار داد، به‌طوری که اگر شخص دیگری همان فراورده‌ها را از طریق فرایند دیگری به دست آورد، مانعی برای اعمال حمایت و تجاری‌سازی در مورد آن وجود نداشته باشد.^۱

منابع:

1. Geoff, Tansey ,Food security, Biotechnology and Intellectual Property, Quaker United Nations office, July 2002
2. WTO, the Secretariat Revision, the Relationship between the TRIPS Agreement and the Convention on Biological Diversity , 2006 IP/C/W/3681 rev.1.
3. <http://www.ip.watch.org/weblog/2011/02/07/nations-begin-signing-protocol-on-biodiversity-access-and-benefit-sharing>
4. Convention on Biological Diversity
5. Convention of International Union for the Protection of New varieties of Plants.
6. Agreement of Trade –Related Aspects of Intellectual Property Rights.
- ۷ - خادمی، حجت، "بررسی نظام بین‌المللی حقوق مالکیت فکری در ارتباط با علم بیوتکنولوژی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.

- ۸ - اقبالی درخشان، محمدحنیفه، "بررسی تطبیقی حقوق مالکیت فکری بیوتکنولوژی در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران"، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۹ - حبیبی، سعید، "امکان صدور ورقه اختراعات بیوتکنولوژی و موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، تابستان ۸۲.
- ۱۰ - امانی، تقی، "قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری"، تهران، بهنامی، ۱۳۸۳.
- ۱۱ - مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹ به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۰۳۲۵ - ۱۳۵۹/۵/۱۶.
- ۱۲ - حجتی اشرفی، غلامرضا، "مجموعه کامل قوانین و مقررات محشای ثبتی"، چ. ۳، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳.
- ۱۳ - کنوانسیون پاریس برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی.

